



به روایت اسناد نخست وزیری

● حجت‌آباد عباسی

مدیر سیستم‌ها و روش‌های صدا و سیما

فرهنگ‌هایی اند که در قالب هنر متجلی می‌شوند و سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر به ارث می‌رسند.

در دوران جنگ‌ها، لشکرکشی‌ها و کشورگشایی‌ها، موسیقی حماسی شعله‌ای را در دل مردم یک کشور مشتعل می‌کند و ادبیات مقاومت و پایداری را در درون آحاد یک ملت بارور می‌کند، از این رو کمتر کسی است که نقش موسیقی را در حرکت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک ملت ناچیز انگارد. البته این هم ساده‌لوحی است که موسیقی را فقط در موسیقی مناسبی یعنی شادی آفرین و یا غمگین خلاصه کنیم و نیز بسیار عوامانه است که موسیقی را تنها به آواها و صداهای شادی آفرین اطلاق کنیم.

موسیقی تنها به آن دسته از اصوات آهنگینی که از طریق وسایل موسیقی تولید می‌شود اطلاق نمی‌شود؛ آوای دلنشین تلاوت قرآن، آذان، تواشیح و ادعیه، جان بخش روح آدمی است، بدون آنکه در تولید آنها از هیچ یک از آلات و ابزار موسیقی استفاده شده باشد.

موسیقی بخش مهمی از برنامه‌های رسانه رادیو را تشکیل می‌دهد و برحسب مورد ۲۵٪ تا ۵۰٪ برنامه‌های رسانه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی را شامل می‌شود. البته اگر هدف رادیویی پخش برنامه‌های سرگرم‌کننده و مفرح باشد، بیش از ۷۰٪ تا ۹۰٪ برنامه‌های آن را انواع مختلف موسیقی تشکیل می‌دهد و به آن رادیو، رادیو موسیقی گفته می‌شود.

رسالت موسیقی صرفاً آراستن و زینت دادن برنامه‌ها نیست،

موسیقی اندیشه‌ای در قالب هنر

موسیقی هنر است و هنر، ترجمان اندیشه و ایده و فرهنگ یک ملت در اعصار و ادوار گوناگون است و از این رو می‌توان گفت موسیقی اندیشه‌ای در قالب هنر است.

موسیقی بیانگر همه حالات روحی، احساسی و عاطفی یک ملت و جلوه‌ای از آداب، رسوم و تمدن فرهنگی ملت هاست. از این رو تمام جلوه‌های اساسی تمدن یک ملت مانند عشق به خالق، پایداری، مقاومت، روحیات حماسی، ایثار، از خودگذشتگی، جوانمردی، صبوری، نوع دوستی، جلوه‌های شادی و غم و سایر جلوه‌های ماندگار فرهنگی یک ملت می‌تواند در موسیقی نیز تبلور یابد.

مک فارلند در کتاب **راهبردهای برنامه‌سازی برای رادیو در آینده** درباره موسیقی آورده است: «کلینز هفت حالت حسی یا عاطفه را مجزا ساخت که عبارت بودند از خشم، غم، عشق، نفرت، شهوت، شادی و تکریم؛ هر یک از آنها زمان بروز و آهنگ نوعی خود را دارند» (فارلند، ۱۳۸۱: ۳۱۶)

موسیقی در هر عصری بیانگر آداب، رسوم و تجلی فرهنگ و اندیشه مردم همان عصر است و از طریق موسیقی هر دوره به نحوه نگرش و تفکر و حتی شیوه‌های زیست یک ملت در مقیاس‌های معین می‌توان پی برد. بنابراین موسیقی خود فرهنگ است، و گزاره نیست اگر گفته شود فرهنگ‌های ماندگار، آن دسته از



نزاع بر سر موسیقی رادیو را از دریاچه ای دیگر، نزاع و جنگ زرگری بین طرفداران موسیقی ایرانی و موسیقی غربی نیز می توان قلمداد کرد. سهام الدین غفاری رئیس کل اداره انتشارات و تبلیغات ادعا می کرد که در رادیو ایران نخست باید موسیقی ایرانی مورد توجه قرار گیرد و قسمت عمده راد را در اختیار داشته باشد و در درجه دوم گاه گاهی از موسیقی غربی نیز استفاده شود.

البته بخش اعظم موسیقی رادیو را در سال های اولیه تأسیس، موسیقی غربی تشکیل می داد

چالش عمده دیگر نضج گرفتن و گسترش موج مخالفت عمومی علما، متدینان و مردم با برنامه های موسیقی رادیو بوده است که به صورت گسترده ای در مکاتبات با مقامات دربار تجلی یافته است.

چالش اول - ایجاد دوگانگی بین موسیقی دانان کشور: در دی ماه سال ۱۳۱۷ شمسی، سازمان پرورش افکار با هدف پرورش و هدایت افکار عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ در ایران تأسیس شد، این سازمان شش کمیسیون اصلی داشت که یکی از آنها کمیسیون رادیو بود و این کمیسیون نیز یک کمیسیون فرعی به نام موسیقی داشت. (سند شماره ۱۲، صفحه ۲۳)

«بر اساس ماده دو اساسنامه، کمیسیون رادیو مأمور تنظیم برنامه پخش صدا و تهیه اخبار و گفتار و برنامه موسیقی و انتخاب گوینده ها و نوازنده ها می باشد»، (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری، اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران: ص ۲۳۵)

تأسیس رادیو تهران در اساسنامه سازمان پرورش افکار پیش بینی شده بود و به همین دلیل این رادیو در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۹ شمسی افتتاح شد. در اواسط این سال به دستور رضاخان با ادغام چند دایره دولتی، اداره کل انتشارات و تبلیغات زیر نظر وزارت پست و تلگراف و تلفن تأسیس شد و ریاست آن به دکتر عیسی صدیق محول شد. با تأسیس این اداره کل، کمیسیون رادیو منحل و وظایف آن به اداره کل جدید تأسیس و دیگر ادارات محول شد.

پس از انحلال کمیسیون رادیو، اداره کل موسیقی کشور زیر نظر وزارت فرهنگ باقی ماند و اداره کل انتشارات و تبلیغات، خود مبادرت به فعال کردن بخش موسیقی رادیو کرد. پس از انحلال کمیسیون رادیو، اداره امور موسیقی رادیو به گونه ای تقسیم شد که امور فنی آن با اداره کل موسیقی کشور و امور اجرایی آن با «بخش موسیقی رادیو» باشد. این تقسیم کار که به دوگانگی مدیریت

بلکه موسیقی بخش بسیار اثرگذار یک برنامه است. موسیقی خود حاوی اندیشه، تفکر و ایده است و در کوتاهترین زمان ممکن بر مخاطب اثر می گذارد. سرعت اثرگذاری مطالب، جملات، کلمات و واژه ها بسیار کمتر از اثرگذاری موسیقی بر مخاطب است.

موسیقی احساسات مخاطب را هدف قرار می دهد و از این رو تحرک آفرینی او در مخاطب بسیار سریع و زودبازده است. موسیقی چاشنی محتوی یک برنامه رادیویی نیست، بلکه خودبخش مهمی از محتوی آن را تشکیل می دهد و صرفاً برای متنوع کردن یک برنامه رادیویی نیست. پخش یک ثانیه از یک نوع موسیقی که ریشه در فرهنگ و حیات یک ملت دارد، مانند موسیقی سریال امام علی (ع) انسان را به تفکر درباره خاطره ها و افتخارات تاریخی یک ملت و می دارد و این قدرت تأثیرگذاری موسیقی بر مخاطب است.

مستندات این پژوهش در مجموعه ای با نام اسنادی از تاریخچه رادیو، در ایران ۱۳۴۵ - ۱۳۱۸ هجری شمسی در سال ۱۳۷۹ توسط معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری منتشر شده است.

وضعیت موسیقی رادیو در رژیم پهلوی

موسیقی رادیو در فاصله سال های ۱۳۱۹ تا ۱۳۴۵ با دو چالش عمده روبه رو بوده است. در سال های اولیه رادیو، بالاخص در فاصله سال های ۱۳۲۱ - ۱۳۱۹ درگیری شدید دو اداره متولی امور موسیقی در کشور که سال ها ادامه داشت موجب دو قسمت شدن امور موسیقی و دو دستگی موسیقی دانان شد. آنان ناچار بودند هر یک زیر بیرق یکی از این دو اداره قرار گیرند و این موجب کناره گیری عده ای از موسیقی دانان و دورنگه داشتن خود از این فضا بود. این چالش در عصر نخست وزیران مختلف در شدیدترین حالت خود وجود داشته است.

موسیقی رادیو انجامید منشاء تنش ها و تنازعات گسترده و طولانی شد.

«صدیق» هیچ گونه حقی برای علی نقی وزیری رئیس اداره کل موسیقی کشور برای هدایت موسیقی رادیو قائل نبود و می خواست اداره امور موسیقی رادیو و اداره کل انتشارات و تبلیغات را بر عهده بگیرد.

از اردیبهشت تا اسفند سال ۱۳۱۹ برنامه های موسیقی رادیو با

رادیو انجام گرفت، هیچ نتیجه ای به دست نیامد. وزرای فرهنگ و پست و تلگراف و تلفن هم، هر از چندی می آمدند و صندلی را به دیگری محول می کردند و این منازعات همچنان ادامه داشت.

اسناد متعددی که درباره مناقشه مستمر و بی پرده اداره موسیقی اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت پست و تلگراف و تلفن و اداره کل موسیقی کشوری وزارت فرهنگ موجود است، از یک نگاه، در واقع ستیز دو وزارتخانه مهم کشور بر سر اداره امور موسیقی رادیو و



اداره کل انتشارات رادیو در تاریخ ۳/۷/۴۱ طی گزارشی اعلام کرده است که رادیو اهواز در برنامه عربی، موسیقی راحتی تا شب نهم محرم (تاسوعا) پخش کرده و موجب تکدر خاطر اکثریت شنونده های شیعه مذهب گردیده است

جنگ بزرگان از طریق مدیران سطوح پایین بوده است. این هم از امور ناشناخته ای است که چرا نخست وزیران ادوار مختلف در پاسخ به نامه های متعدد، به جای اینکه فکری اساسی برای حل معضل تشکیلات موسیقی رادیو بکنند هر دو طرف را به خویشنداری دعوت می کرده اند. در واقع هیچ گاه نخست وزیران وقت اقدامی جدی برای حل اختلافات ساختاری و عمیق این دو اداره نکردند و نزاع دو وزارتخانه به نحو بارزی در سطوح مدیران پایین دست ادامه داشت.

نزاع بر سر موسیقی رادیو را از دریچه ای دیگر، نزاع و جنگ زرگری بین طرفداران موسیقی ایرانی و موسیقی غربی نیز می توان قلمداد کرد. سهام الدین غفاری رئیس کل اداره انتشارات و تبلیغات ادعای کرد که در رادیو ایران نخست باید موسیقی ایرانی مورد توجه قرار گیرد و قسمت عمده را در اختیار داشته باشد و در درجه دوم گاه گاهی از موسیقی غربی نیز استفاده شود.

البته بخش اعظم موسیقی رادیو را در سال های اولیه تأسیس، موسیقی غربی تشکیل می داد به طوری که «در سال اول تأسیس رادیو میزان پخش موسیقی غربی به نسبت گسترده ای از پخش موسیقی ایرانی فزونی گرفت، به طوری که در پایان سال ۱۳۱۹ شمسی به فکر افزایش موسیقی ایرانی افتادند، تا آن را به حد تعادل برسانند». تداخل وظایف این دو اداره به حدی فاحش بوده است که در

هدایت رئیس موسیقی کشور و کمیسیون موسیقی رادیو اجرامی شد و معمولاً گروه های موسیقی ترکیبی از نوازنده های رادیو و ارکستر اداره موسیقی کشور بوده اند.

در این دوره زمانی به دلیل مدیریت واحد بر دو اداره موسیقی کشور و کمیسیون موسیقی رادیو فعالیت های مربوط به موسیقی رادیو با وحدت نظر پیش می رفته است و البته موسیقی دانانی نیز مانند «علی نقی وزیری» و «مشیر همایون شهردار» دعوت رادیو برای اجرای برنامه رانمی پذیرفتند.

علی نقی وزیری معمولاً خود را فراتر از دست اندرکاران موسیقی رادیو می دانست و شهردار هم حق الزحمه پیشنهادی رادیو را کم می دانست.

با ورود صدیق به رادیو پای «شهردار بیانست» به موسیقی رادیو باز شد و او هفته ای سه روز در رادیو برنامه موسیقی اجرا می کرد. برنامه ریزی مستقیم مسئولان رادیو برای برنامه های موسیقی رادیو موجب ایجاد اختلافات دامنه داری بین اداره کل موسیقی کشور و بخش موسیقی رادیو شد. در فاصله های سال ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۵ احمد متین دفتری نخست وزیر ایران صندلی خود را به علی منصور داد او به علی سهیلی و به دکتر محمد سجادی و به همین ترتیب صدارت به محمد ساعد و احمد قوام رسید. اما با وجود مکاتبات گسترده ای که با پنج نخست وزیر این دوره درباره با حل و فصل اختلاف امور موسیقی

یک ساعت و روز مشخص هر دو برنامه‌های جداگانه‌ای را برای رادیو تدارک می‌دیدند و موجب درگیری و تنش می‌شدند، به طوری که محمد ابراهیم علم وزیر پست و تلگراف و تلفن در نامه‌ای فوری و مستقیم، در تاریخ ۲۱/۲/۱۳۲۰ خطاب به وزیر نوشت که اداره موسیقی کشور و اداره موسیقی اداره کل انتشارات و تبلیغات هر یک برنامه موسیقی جداگانه‌ای برای روز یکشنبه ۲۱/۲/۱۳۲۰ «رادیو» فرستاده‌اند، معین کنید کدام یک از آنها باید اجرا گردد.

مدیر کل انتشارات و تبلیغات و وزارت پست و تلگراف و تلفن و اداره کل موسیقی و وزارت فرهنگ نامه‌های بسیاری به نخست وزیر نوشتند و یکدیگر را به دخالت در امور و وظایف یکدیگر و بی‌کفایتی متهم کردند که ۱۱ سند مهم در کتاب اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران مضبوط است.

نخست وزیر بالاخره در تاریخ ۳/۳/۱۳۲۰ در این مناقشه مداخله کرد و طی نامه‌ای به وزارت فرهنگ نوشت: «راجع به موسیقی رادیو اشعار می‌دارد تصمیم هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار به طوری که در نامه شماره ۲۱۰۹ به تاریخ ۹/۱۰/۱۳۱۹ اعلام داشته‌اند بر این بوده که موسیقی رادیو از نظر فنی با اداره موسیقی کشور و برنامه آن را اداره نامبرده با همکاری و مشورت اداره کل انتشارات و تبلیغات تنظیم نماید، حالاً هم باید به همین ترتیب عمل شود».

البته این داوری نیز مشکل را حل نمی‌کند و علی‌نقی وزیر رییس اداره کل موسیقی کشور مجدداً نامه بلندبالایی به وزارت فرهنگ می‌نویسد و اداره کل تبلیغات و انتشارات را به بی‌توجهی به سلسله مراتب و تجاوز از محدوده وظایف متهم می‌کند.

یکی از مواردی که «رییس رادیو» و رییس اداره کل موسیقی کشور معمولاً در نامه‌های خود گوشزد کرده‌اند این است که هر طرف بستگان نزدیک خود را با دستمزد و مزایای بالا به استخدام در آورده است.

سال‌های ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱ سال‌های نزاع شدید اداره کل انتشارات و تبلیغات و اداره کل موسیقی برای به زیر کنترل درآوردن برنامه‌های موسیقی رادیو بوده است و هیچ‌گاه نخست‌وزیران وقت هم نتوانستند مشکل این کلاف سردرگم را حل کنند.

«آنچه از نیمه دوم سال ۱۳۲۵ تا پایان نیمه اول سال ۱۳۲۸ برای موسیقی رسانه ماند، پیامدهای این منازعات بود. یک دسته هنرمندان رئالیست موسیقی بودند که گوشه چشمی به موسیقی غربی داشتند. دسته دوم که از آبخخور مین باشیان ارتزاق می‌کردند و با پرویز

محمود قدرت بیشتری یافته بودند، با هنر اصیل و واقعی موسیقی ایرانی مبارزه می‌کردند و تأثیرات مکتب آگزیستانسیالیسم بر آنان بسیار بود.» (مجله رادیو، شماره ۲۱، ص ۶۸)

روح الله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایران در بیان وضعیت این دوره می‌گوید: «عده‌ای با اینکه سالیان متمادی در این فن زحمت کشیده‌اند، معلوم نیست چه کاره‌اند، زیرا نه می‌توانند در یک ارکستر موسیقی بین المللی برای نواختن ساز خود کرسی مناسبی به دست آورند و نه از لحاظ موسیقی ملی ارزش دارند. خودشان هم در این گیرودار متحیر مانده و به تدریج از کار دلسرد می‌شوند.» (همان، ۶۸)

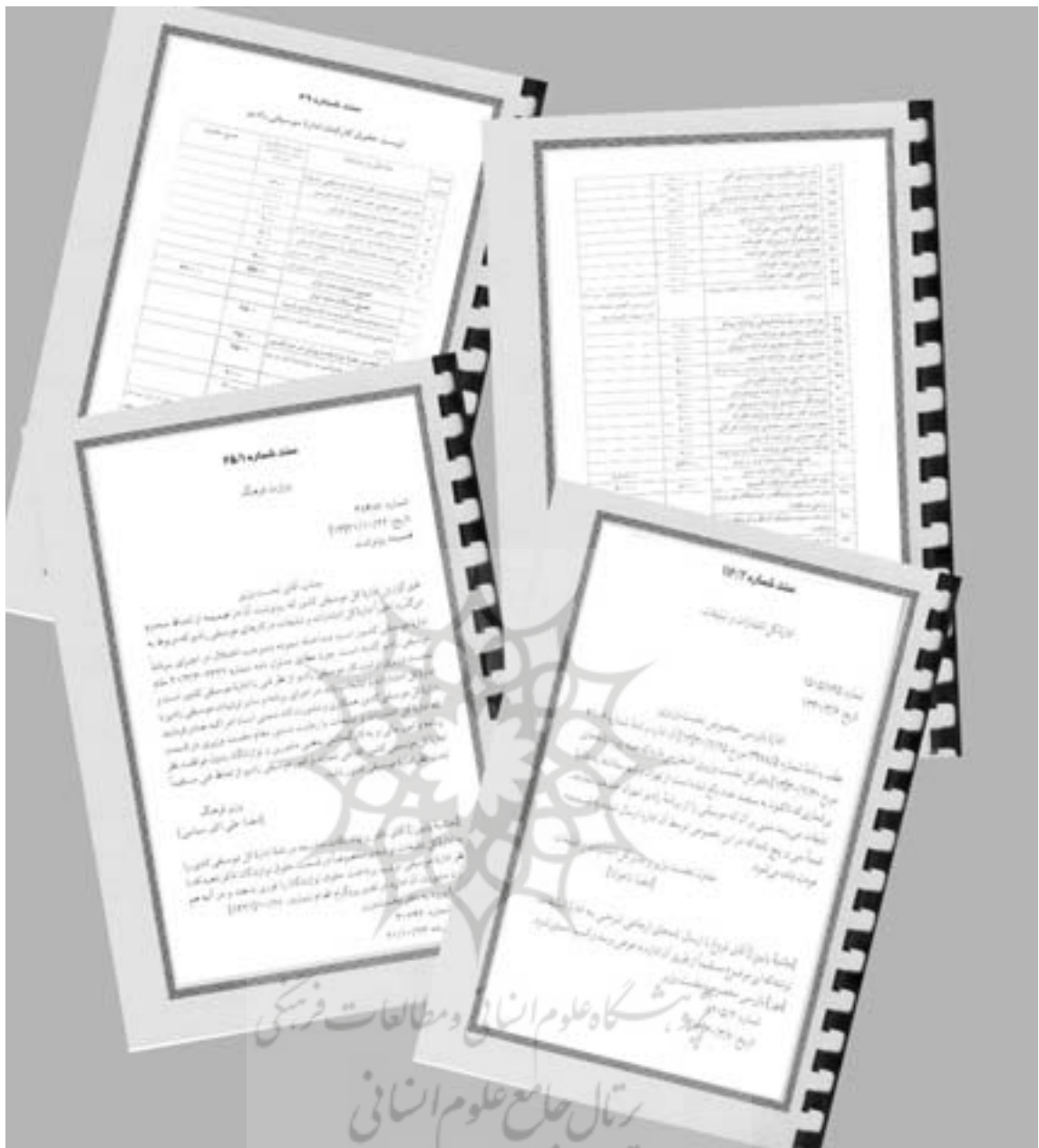
چالش دوم - مخالفت با پخش موسیقی: وقتی یک ملت نشانه‌ها و شاخص‌های تمدن و پیشینه فرهنگی خود را در قالب‌های هنری، به مانند موسیقی، نبیند و برعکس علایم و نشانه‌های فرهنگ بیگانه را در موسیقی خود به نظاره نشیند، نسبت به این گونه موسیقی سرسازگاری نشان نمی‌دهد و واکنش منفی خود را نمایان می‌سازد.

با گذشت بیش از یک سال از عمر رادیو و پخش گسترده انواع موسیقی مطرب غربی از فرستنده آن، اعتراضات کتبی علما و متدینان و مخاطبان در قالب نامه‌های گوناگون بر روی میز مقامات دربار و مسئولان رادیو قرار گرفت، به طوری که امیر سهام‌الدین غفاری رییس اداره کل انتشارات و تبلیغات طی نامه‌ای در تاریخ ۴/۱۱/۱۳۲۱ به نخست‌وزیر می‌نویسد: «از موقعی که این بنده بر حسب امر مبارک در این اداره مشغول شدم شکایات زیاد کتبی و شفاهی راجع به موسیقی رادیو رسیده و از عدم تناسب آهنگ‌ها و آوازهایی که توسط اداره موسیقی کشور در رادیو نواخته می‌شود بار و حیات ملی ایران به طور عموم شاک می‌نمایند».

یکی از علمای قم در تاریخ ۸/۲/۱۳۳۰ طی نامه‌ای به نخست‌وزیر از او درخواست کرده است که «ساز و موسیقی که علمای اثنی عشریه بر حرمت آن متفق‌اند و موجب فساد اخلاق جوانان مسلمانان و تظاهرات به اجنبی است و نیز طبق قانون اساسی باید منکرات علناً ممنوع باشد، از برنامه رادیو حذف و به جای آن مطالب اخلاقی، دینی، اجتماعی و بهداشتی قرار دهند».

آنچنان که از نامه معاون وزارت دربار شاهنشاهی مستفاد می‌شود در تاریخ ۲۸/۲/۱۳۳۰ آقایان فخرالدین طاهری شیرازی و محمد شفیق قائم مقامی از حوزه علمیه قم نامه‌ای به شاه نوشته و ضمن بیان اهمیت دین خواستار حذف موسیقی از رادیو شده‌اند».

موسیقی رادیو در این دوره کاربرد نظریه‌های گوناگون موسیقی دانان غربی برای توسعه موسیقی غربی در ایران را تجربه کرد و موسیقی ایرانی نه تنها در این دوره زمانی توسعه‌ای متناسب با فرهنگ ملی نیافت، بلکه نطفه‌ای هم که از آن منعقد شد، مولود ناقص‌الخلقه‌ای را در پی داشت و موسیقی ایرانی با افراط کاری به بیراهه رفت و طعم تلخ جدایی از مردم را چشید



محمد مصدق خواهان اجرای قانون منع مسکرات و حذف برنامه موسیقی از رادیو شده‌اند. در خرداد سال ۱۳۳۰ یکی از دوستان اهل بیت به نام ابوالفضل سیدی در نامه‌ای به نخست‌وزیر ایران آورده است: «تقاضای بنده این یک کلام است که از ساز و آواز و لهو و لعب جلوگیری بفرمائید». همچنین مهدی اصفهانی در تیرماه ۱۳۳۰ در نامه‌ای به نخست‌وزیری ضمن بیان حرمت ساز و آواز در شرع مقدس خواهان تغییر این برنامه‌ها شده است. چهار تن از دوستان اهل بیت به نام‌های سید رضا خسروی، رضا حسینی، خسرو نیشابور و سید رضا حسینی در نامه‌ای به

در سال ۱۳۳۰ که صدای مردم بهتر از قبل به دربار می‌رسید و هم زمان با دوران نخست‌وزیری مصدق و استقرار آزادی‌های نسبی در جامعه، موج مخالفت با پخش موسیقی علنی تر می‌شود و نامه‌های متعددی در مخالفت با پخش موسیقی به اداره کل انتشارات و تبلیغات ارسال می‌شود. در تاریخ ۱۳۳۰/۳/۶ معاون نخست‌وزیر و مدیر کل انتشارات و تبلیغات در نامه‌ای به اداره بازرسی مخصوص نخست‌وزیری آورده است: «اشعار می‌دارد که همه روزه نامه‌های بی‌شماری که تاکنون به ۳۰۰ عدد بالغ شده است از تهران و شهرستان‌ها واصل می‌شود و خواهان حذف موسیقی از برنامه رادیو تهران هستند». جمعی از روحانیون در خرداد سال ۱۳۳۰ در نامه‌ای به دکتر

نخست وزیر در تیرماه سال ۱۳۳۰ درخواست کرده اند که ساز زدن که از محرمات در شرع اسلام است و باعث فساد اخلاق می شود از دستگاه رادیو برداشته شود.

هیئت عزاداران موسی بن جعفر (ع) کاشان در نامه ای به علی امینی نخست وزیر درخواست کرده است که روز ۱۳/۱۰/۱۳۴۰ مصادف با شهادت امام هفتم موسی بن جعفر پیشوای بزرگ مذهب جعفری تعطیل عمومی اعلام شود و در آن روز موسیقی از رادیو حذف گردد.

اداره کل انتشارات رادیو در تاریخ ۳/۷/۴۷ طی گزارشی اعلام کرده است که **رادیو اهواز** در برنامه عربی، موسیقی راحتی تا شب نهم محرم (تاسوعا) پخش کرده و موجب تکدر خاطر اکثریت شنونده های شیعه مذهب گردیده است.

وضعیت تولید و پخش موسیقی

در دوره رژیم پهلوی موسیقی ایرانی تضعیف شد و به تقلید از غرب به سمت و سوی موسیقی غربی که آواز و رقص بود سوق داده شد و سهم موسیقی ایرانی در برنامه های رادیو به کمتر از ۵۰٪ رسید.

اسناد باقیمانده از کنسرتور برنامه های رادیو بیانگر آن است که بخش اعظم موسیقی رادیو به موسیقی غربی اختصاص داشته است. موسیقی در این دوره شامل ساز و آواز ایرانی، موسیقی صفحه فرنگی و موسیقی ارکستر اروپایی بوده است.

آنچنان که از اسناد بر می آید موسیقی دانان طبق برنامه منظم شب ها در استودیو حضور می یافتند و برنامه اجرا می کردند، اما موسیقی غربی به دو شکل زنده و یا پخش صفحه غربی انجام می شده است.

مشخصات هشت نفر از موسیقی دانان غربی که برنامه زنده اجرا می کردند، در نامه ای که به مین باشیان مدیر هنر **کده موسیقی تهران** نگاشته شده موجود است.

با تأسیس رادیو در سال ۱۳۱۹ شمسی موسیقی در ایران کارکرد جدیدی پیدا کرد، زیرا از طریق فرستنده های رادیویی در گستره وسیعی انتشار یافت. در ماه ها و سال های اولیه تأسیس رادیو آنچنان که از اسناد باقیمانده این دوره حاصل می شود، بیش از ۶۵٪ از مدت برنامه های رادیو در شبانه روز به پخش موسیقی اختصاص داشته است؛ به عبارت دیگر هم زمان با تأسیس رادیو جایگاه ویژه ای برای پخش موسیقی در این رسانه قائل می شوند، به طوری که در سال های متوالی بیشتر اوقات رادیو به پخش برنامه های موسیقی اختصاص داشته است و می توان اذعان کرد که بزرگترین وظیفه رادیو در این دوره پررنگ کردن نقش تفریحی و سرگرمی خود برای مخاطبان بوده است.

در سال های اولیه تأسیس رادیو نه تنها رادیو در نیمی از مدت فعالیت خود در شبانه روز به صورت مستقیم مبادرت به پخش موسیقی می کرده است، بلکه حدود ۳۰٪ از مدت برنامه های تولیدی دیگر آن نیز به موسیقی اختصاص داشته است.

با شروع به کار رادیو در ایران در عصر رضاخانی کشورهای بیگانه جایگاه مستحکمی در برنامه های رادیو برای خود دست و پا کردند و حتی بعضاً ساعات پخش برنامه های مورد نظر را نیز خود آنها تعیین می کردند.

به موجب نامه شماره ۱۱۲۴/۶۸۱ مورخ ۱۳/۵/۱۳۲۳ رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات به نخست وزیر آمده است: «**اداره انتشارات سفارت انگلیس** طی نامه ای تقاضا کرده هفته ای دوبار و هر دفعه ۳۰ دقیقه در **رادیو تهران** به اولیای ارتش انگلیس وقت داده شود که با موج کوتاه، اخبار و موسیقی به وسیله صفحه، برای سربازان انگلیسی مقیم ایران به انگلستان فرستاده شود و توضیح می دهند این وقت در روزهای شنبه و چهارشنبه از ساعت ۷ تا ۷/۵ یا روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۶/۵ تا ۷ بعد از ظهر باشد».

نکته قابل توجه اینکه این تقاضا پذیرفته می شود و به مدت ۱/۵ ساعت پخش موسیقی (صفحه فرنگی) در کنسرتور برنامه های **رادیو تهران** قرار می گیرد.

نتیجه گیری

موسیقی رادیو در این دوره کاربرد نظریه های گوناگون موسیقی دانان غربی برای توسعه موسیقی غربی در ایران را تجربه کرد و موسیقی ایرانی نه تنها در این دوره زمانی توسعه ای متناسب با فرهنگ ملی نیافت، بلکه به نطفه ای هم که از آن منعقد شد، مولود ناقص الخلقه ای رادری داشت و موسیقی ایرانی با افراط کاری به بیراهه رفت و طعم تلخ جدایی از مردم را چشید. در آن دوران دلسوزان موسیقی ایرانی در هیچ گروه و دسته ای مجالی برای ارائه هنر خود نیافتند و به کلی از صحنه کنار رفتند و عرصه را در اختیار سودجویانی قرار دادند که با حمایت تمام عیار از موسیقی غربی، موسیقی ایرانی را به حاشیه راندند. البته رادیو نیز در این سال ها هیچ طرحی برای توسعه موسیقی ایرانی و ایجاد فرصتی مناسب برای موسیقی دانان ایرانی نداشت و این دوره از نابسامان ترین و اسفناک ترین ادوار هنر موسیقی در رادیو بوده است.

منابع:

- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران. (۱۳۷۹). معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری.
- فارلند، مک. (۱۳۸۱) **راهبردهای برنامه سازی برای رادیو در آینده**. (مترجم: مینونیکو). تهران: اداره کل تحقیق و توسعه.
- **مجله رادیو**. شماره ۲۱.

